

چکیده

بازشناسی مسئله امامت در تراث حدیثی امام رضا علیه السلام

مرضیه امینی اصل^۱

مسئله‌ی امامت در روایات امام رضا علیه السلام بسیار زیبا به چشم می‌خورد و این حاکی از اهمیتی است که این موضوع نزد امام علیه السلام دارد. ایشان با اشاره به صفات و ویژگی‌های امامت، امام را حجت و دلیل خداوند بر مردم، پاسدار حریم ارزش‌های الهی، راهنمای مردم به سوی هدایت و مایه عزت مسلمانان برمی‌شمارند.

این امام بزرگوار، در اثبات مسئله‌ی امامت با تأکید بر اقامه‌ی دلیل و برهان می‌فرمایند: امام باید به تورات و انجیل و زبور احاطه داشته باشد و با هر کدام به کتاب خودشان احتجاج کند و این که همه زبان‌ها را بداند و با اهل هر زبانی به زبان خودش مباحثه کند و افزون بر این باید از هر آلودگی و عیبی پاک باشد و همچنین عادل، بانصاف، حکیم، دلسوز، مهربان، بردبار، اهل بخشش و گذشت، نیکوکار و مطمئن باشد و امور مردم را حل و فصل کند؛ و همه اینها بیانگر این است که امام، منصوب از جانب پروردگار و حجت الهی بر خلق است که با چنین ویژگی‌ها و صفات به هدایت‌گری مردم جامعه می‌پردازد.

در نهایت، با بررسی روایات امام رضا علیه السلام می‌توان گفت ایشان پذیرش توحید و مقبولیت آن از سوی خداوند متعال را در سایه ولایت‌پذیری و امامت برمی‌شمارند.

کلمات کلیدی: امامت، احادیث امام رضا علیه السلام، امام‌شناسی، ویژگی امامان، صفات امامت.

مقدمه

امام، نور جهان افروز و آب حیاتی است که حیات سیاسی و اجتماعی انسان‌ها را بارور می‌کند و دنیا و آخرت بشر را نورانی می‌سازد و او را به مسیر سعادت رهنمون می‌شود. طبق روایت، «هر کس بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است»، شناخت امام، یکی از مهم‌ترین وظایف مسلمانان است. اما شناخت صفات امامت و مصادیق آن، از مشکل‌ترین مسائل است. بهترین راه در این زمینه، استفاده از دلایل عقلی و نقلی است که یکی از مهم‌ترین منابع آن، احادیث اهل بیت علیهم‌السلام است. در این میان، سخنان امام رضا علیه‌السلام از ارزش ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که آن حضرت در عصری زندگی می‌کرد که بدون تقیه می‌توانست مطالب و دلایل امامت را بیان کند. نشست‌های علمی آن بزرگوار با دانشمندان ادیان و مذاهب‌های گوناگون، زمینه بیان این مطالب را بیشتر فراهم کرد. نوشتار حاضر، مجموعه‌ای از احادیث نقل شده از آن حضرت، پیرامون مسئله امامت است که با توضیح مختصری ارائه می‌گردد.

۱- مفهوم امام

۱-۱- امام در لغت

امام از ماده «ام» به معنی قصد است و کلمات «ام» و «امام»، از همان ماده مشتق می‌شوند. امام بر وزن کتاب در اصل مصدر است و به کسی اطلاق می‌شود که مورد قصد و توجه دیگران واقع گردد و دیگران از آن پیروی کنند (تفسیر روشن، ج ۲، ص ۱۴۳). در واقع، امام به کسی اطلاق می‌شود که انسان، به قول و فعل او عمل کند و او را به سوی هدفی که دارد، راهنمایی نماید؛ چه حق باشد، چه باطل (المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۷۸؛ مجمع البحرین، ج ۶؛ ص ۱۰؛ لسان العرب، ج ۱۲، ص ۲۴). این یعنی مطلق پیشوا، مقتدا و رهبر (قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۲۱؛ فرهنگ ابجدی عربی به فارسی، ص ۱۲۷).

۱-۲- امام در اصطلاح

امام در اصطلاح علم کلام، آن کسی است که دارای ریاست عامه بر جمیع امت در تمام امور

دینی و دنیوی به نیابت از پیامبر ﷺ باشد (امامت از دیدگاه شیعه، ب ۳) و ذکر کلمه‌ی دنیوی برای تأکید بر وسعت قلمرو امامت است و گرنه تدبیر امور دنیوی جامعه اسلامی جزئی از دین اسلام است.

به تعبیر روشن‌تر، امامت عبارت است از جانشینی یک شخص از جانب پیامبر ﷺ در اجرای احکام شریعت و پاسداری از حوزه دین به گونه‌ای که فرمان‌بری از آن بر همه مردم واجب باشد. امام رضا علیه السلام در تعریف امامت می‌فرماید:

همانا امامت زمام دین است و مایه‌ی نظام مسلمانان و سبب سامان‌یافتن دنیایشان و موجب عزت مؤمنان است. امامت اساس اسلام، پیشرو و برانزده است؛ شاخه بلند و رفیع آن است؛ و نماز و زکات و روزه و حج و جهاد و افزونی اموال مسلمین، همه و همه وابسته به امام و امامت اوست (عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۳۹۶).

در جای دیگر، امام رضا علیه السلام معنای جامع‌تری از امامت را بیان داشته و می‌فرماید: امام چنان خورشید نورافشانی است که با نور خود روشن‌گر جهان است، در جایگاهی قرار دارد که دست‌ها و چشم‌ها بدان نایل نمی‌شود، امام، آب گوارایی است از پس تشنگی و عطش.

این تعابیر بلند درباره امام، بازگوکننده جایگاه و منزلت واقعی امام است، امام رضا علیه السلام پس از این تعابیر بلند، می‌فرماید:

امام، رهنمای بشریت به سوی هدایت و نجات‌دهنده آنان از پستی و فرومایگی است؛ امام برای انسان‌ها، همدمی رفیق و پدری مهربان و برادری همانند است؛ امام به اُمّت خویش مهر می‌ورزد، همانند مادری که به فرزند خردسال خود مهربان و نیکوکار است؛ امام پناهگاه بندگان خدا در مصیبت‌ها و دشواری‌های عظیم است؛ امام، امین الهی در میان خلق و حجت خداوند بر بندگان او و خلیفه پروردگار در جامعه بشری است. امام مردم را به سوی خدا دعوت می‌کند و از حریم ارزش‌های الهی و ساحت قدس خداوندی پاسداری می‌کند. امام از هر گناه پاکیزه و از هر عیب و کاستی به دور است؛ امام دارای علم ویژه و حلم و بردباری است و وجود او مایه استواری دین است؛ امام مایه عزت و سربلندی مسلمانان و باعث ناخشنودی و نگرانی عمیق منافقان و عامل شکست و حقارت کافران است؛ امام، یگانه‌ی عصر خویش است، به طوری که هیچ‌کس در شرافت و فضیلت به پای او نرسد و در دانش به مرتبه او راه

نیابد، همانندی برای او یافت نمی‌شود و مثل و نظیر ندارد (عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۱۹۳، ۱۹۵).

امام دارای نشانه‌هایی است: امام آگاه‌ترین، استوارترین، باتقواترین و بردبارترین مردم و از همه شجاع‌تر و عابدتر و باسخاوت‌تر است (همان، ص ۱۸۷).

بنابراین، امامان جانشین پیامبران هستند که عنصر هدایت و رهبری معنوی و تربیت استعدادهای بشری برای رسیدن به تعالی را بر عهده دارند.

۲- تعیین امام

توصیف مقام و منزلت امامان و بیان فضائل آنان از دسترس عقل و اندیشه‌های بشری به دور است؛ بی‌گمان باید از منظر سخنان امامی معصوم به این جایگاه نورانی نگریست تا درک کاملی از آن حاصل گردد. تعیین امام و شناسایی و انتخاب امام نمی‌تواند به انتخاب مردم باشد، زیرا انسان‌ها نمی‌توانند تشخیص دهند که چه کسی دارای برترین مقام علمی و معنوی است و از هر گناه، چه آشکار و چه پنهان، مبرا است.

مردم نمی‌توانند با اندیشه و تجربه‌های خود دریابند که چه کسی صلاحیت خلافت الهی را دارد. تنها خداوند است که از دل همه انسان‌ها باخبر است و می‌داند که شایسته‌ترین انسان‌ها برای بر دوش کشیدن بار امانت و خلافت الهی کیست. به همین منظور امام رضا علیه السلام در بیان قدر و منزلت امامت به عبدالعزیز بن مسلم فرمود:

هل يعرفون قدر الامامة ومحله من الأمة فيجوز فيها اختيارهم.

مردم مگر مقام و منزلت امامت در میان امت را می‌دانند تا روا باشد که انتخاب آن به اختیار ایشان واگذار شود؟

إن الامامة أجلُّ قدراً وأعظمُّ شأناً وأغلامكاناً وأمنعُ جانباً وأبعدُ غوراً من أن يبلغها الناس بعقولهم.

همانا امامت، قدرش والاتر و شأنش بزرگ‌تر و منزلتش عالی‌تر و مکانش رفیع‌تر و عمقش ژرف‌تر از آن است که مردم با عقل خود به آن برسند یا با آرای خود آن را دریابند و یا به انتخاب خویش امامی را منصوب کنند (عیون اخبار الرضا، ص ۱۹۵؛ الحیة، ص ۳۰۷).

همانا امامت مقامی است که خدای عزوجل بعد از رتبه نبوت و خلت، در مرتبه سوم به ابراهیم علیه السلام اختصاص داد و به آن فضیلت، مشرفش ساخت و نامش را بلند و استوار نمود و

فرمود: «همانا من تو را امام مردم قرار دادم» (بقره، ۲۴) ابراهیم خلیل علیه السلام از نهایت شادی به خداوند عرض کرد: «از فرزندان من هم؟» او فرمود: «پیمان و فرمان من به ستمکاران نمی‌رسد». همانا امامت، خلافت خدا و خلافت رسول صلی الله علیه و آله و مقام امیرالمؤمنین علیه السلام و میراث حسن و حسین علیهما السلام است. همانا امامت، زمام دین و مایه نظام مسلمانان و صلاح دنیا و عزت مؤمنان است. همانا امامت، ریشه با نمو اسلام و شاخه بلند آن است. کامل شدن نماز، روزه، حج، جهاد و بسیار شدن غنیمت و صدقات به آن است (عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۹۱). بنابراین، همه مسلمانان به رسالت و مقام نبی اکرم صلی الله علیه و آله اعتراف و ایمان دارند، حتی یهودیان و مسیحیان که به رسالت حضرت موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام معتقدند زیرا که می‌دانیم؛ خداوند دارای علم بی‌پایان و گسترده است. او هنگامی که انسان‌ها را آفرید، از همان آغاز می‌دانست که مطیع‌ترین، عابدترین و پرهیزگارترین بندگان چه کسانی هستند و بر اساس علم برتر خود، آنان را برای رسالت و امامت برگزید تا دیگر بندگان خود را به سوی نور و پاکی هدایت کند.

وَجَعَلْنَا لَهُمْ آيَةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا.

و قرار دادیم آنها را امامان و پیشوایانی که مردم را به امر ما هدایت کنند (انبیاء، ۷۳).

بنابراین بی‌شک، دلیل انتخاب انبیاء و امامان از سوی خداوند، لیاقت و شایستگی آنان بوده است. چنان‌که در طول زندگی این شایستگی را به اثبات رسانده‌اند؛ همان‌گونه که حضرت ابراهیم علیه السلام گام در آتش گذاشت و برای اطاعت از امر الهی به انجام سخت‌ترین آزمایش خداوند تن داد و تا مرحله ذبح فرزند عزیز خویش پیش رفت.

حضرت موسی علیه السلام با قدرت فرعون درگیر شد و برای هدایت بنی اسرائیل، سخت‌ترین مرحله‌ها را گذراند و دشوارترین رنج‌ها را تحمل کرد. حضرت عیسی علیه السلام برای اجرای رسالت خود، چندان مقاومت ورزید که تا پای دار پیش رفت. پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله در راه رسالتش بیش از همه انبیای الهی ستم دید و تا بدان پایه به هدایت مردم اهتمام ورزید و برای آنان دل سوزاند که خداوند در آیه کریمه قرآن به او دستور می‌دهد که «تا این اندازه خود را در مشقت مینداز» (طه، ۲).

امام علی بن ابی طالب علیه السلام در طول زندگی خود اثبات کرد که جز به خدا و دین و خلق نمی‌اندیشد و زندگی و مرگ خود را در راه حق و برای حق قرار می‌دهد. تا آنجا که یک ضربت او در نبرد با خشن‌ترین چهره کفر و لجاج، برتر از عبادت همه جن و انس معرفی شد. خداوند که

شایستگی و صلاحیت انبیا و امامان را از آغاز خلقت می‌داند، آنان را به عنوان معلمان و راهنمایان خلق برمی‌گزیند و به ایشان کرامت خاص و توفیق ویژه می‌بخشد و از آنان مسئولیت‌های بیشتری می‌خواهد.

امام رضا علیه السلام با استناد به دو آیه از قرآن کریم، تعیین امام را منحصرأً کار خداوند متعال دانسته، می‌فرماید: از گزینش خدا و گزینش رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام به گزینش خود روی آوردند، در حالی که قرآن به آنها ندا می‌دهد که «پروردگار تو می‌آفریند آنچه را که می‌خواهد و برمی‌گزیند. آنها را حق گزینش نیست، پاک و منزّه است خداوند تعالی از آنچه آنها شریک قرار می‌دهند» (قصص، ۶۸).

و نیز می‌فرماید:

هیچ مرد و زن مؤمنی حق ندارند وقتی خدا و رسولش به حکمی امر کردند، آنها اختیاری درباره‌ی امرشان داشته باشند (احزاب، ۳۶).

ایشان در ادامه‌ی سخن، مقام امامت را بالاتر از آن می‌داند که مردم با خرده‌ایشان بتوانند بدان دست یابند. امام معصوم با وجود ویژگی‌هایی همچون عصمت، معنویت، ارتباط با عالم غیب، دانش افزون‌تر و شایستگی‌های مدیریتی والایی که دارند، برای مردم عادی ممکن نیست که به شناخت این خصلت‌های درونی بپردازند، از این رو امام معصوم با انتخابات تعیین نمی‌گردد. بنابراین، می‌توان گفت امام انسان کامل الهی و نائب و منصوب از سوی خداوند متعال است که به تمام احکام و دستورات لازم برای هدایت بشر (مصلح و مفسد) آگاه است و از گناهان و اشتباهات، معصوم بوده و از همه امت در خصوصیات و صفات، برتر است؛ امین و مورد اعتماد بر احکام و اسرار الهی است؛ مرتبط با مبدأ اعلی و صراط مستقیم است؛ حجتی است بر بندگان؛ حافظ دین الهی و مرجع علمی برای حل معضلات و اختلافات و تفسیر مبهمات است؛ او زعیم سیاسی و اجتماعی و هدایت‌گر انسان‌ها برای رسیدن به درجات و کمالات معنوی و واسطه فیض الهی و عهده‌دار جامعه است و اطاعتش بر همه بندگان واجب است.

۳- ویژگی امام

آنچه در این قسمت بیان می‌شود، گوشه‌ای از ویژگی‌ها و فضائل امامان معصوم علیهم السلام است که بدین گونه می‌توان خلاصه کرد:

۳-۱- راهنمای مردم به سوی هدایت و الگوی اخلاق و تربیت برای آنان

امام مسئولیت تربیت و هدایت مردم را به دوش دارد و بسان قافله‌سالاری هوشیار، دلسوزانه مردم را در حرکت به صراط مستقیم فرامی‌خواند و ناگفته پیداست که این همه، نیاز به معرفتی والا و آگاهی و دانشی بسیار دارد. از این رو، حضرت حق، این گرانمایگان را گنجینه‌های علم قرار داده و آگاهی از حقایق و معارف بلند دین را از دیرباز در نهادشان به امانت سپرده است.

آنچه در زندگانی ائمه علیهم‌السلام نمایان است و سبب تمایز آنان از دیگران شده و انذار را به سوی آنان جلب کرده، این است که بر دیگران حق تعلیم و تربیت دارند، بدون اینکه کسی بر آنان چنین حقی داشته باشد و بدون تردید، این از فضل پروردگار نسبت به آنهاست که ایشان را بر آفریدگان حجت قرار داده و بر این فضیلت حتی دشمنانشان گواهی داده‌اند.

آنچه این مدعا را تأیید و تقویت می‌کند، این است که حدود و مرزهای برخی از علوم و دانش‌ها تا قبل از زمان ائمه علیهم‌السلام روشن و شناخته‌شده نبود و بر اثر تعالیم ایشان، حدود آنها روشن و بسیاری از مشکلات مطرح شده، برطرف شده است. به‌عنوان نمونه امام رضا علیه‌السلام چنان مزین به اخلاق اسلامی بود که دوست و دشمن در برابر خوی آسمانی و رفتار ملکوتی‌اش سر تعظیم فرود آورده و موافق و مخالف، شیفته آن امام همام می‌شدند؛ به‌گونه‌ای که تمامی حالات، رفتار و سکنات وجود گرانمایه‌اش به شیفتگان، درس کرامت و بزرگواری می‌آموخت.

۳-۲- داورترین مردم

در قرآن کریم، به مسئله قضاوت و داوری بین مردم اشاره‌های فراوانی شده است و خداوند ضمن این آیات، مقام داوری را از مقامات پیامبران و البته امامان برشمرده است (نساء، ۱۰۵، ۵۸، ۲۶). امام، قضات جامعه اسلامی را نصب می‌کند و بر اساس عدالت، بین مردم قضاوت و حکم می‌کند؛ از این رو، لازم است که امام، داورترین مردم باشد.

امام رضا علیه‌السلام در این خصوص می‌فرمایند:

همانا از امام و راهنمای جامعه مساوات و عدالت خواسته‌شده است که در سخنان، صادق و در قضاوت‌ها عادل و نسبت به وعده‌هایشان وفا می‌کنند (بحار الانوار،

ج ۱۰، ص ۳۵۱).



۳-۳ - شخصیت معنوی و علمی امام

امام رضا علیه السلام در بیان مقام علمی امامان می فرماید:

امام به دانش مخصوص و به خویشتن داری نشانه دار است. امام یگانه‌ی زمان خود است، کسی به هم‌طرزای او نرسد و دانشمندی با او برابر نباشد، جایگزین ندارد، مانند و نظیر ندارد، به تمام فضیلت مخصوص است بی آنکه خود او در طلبش رفته و به دست آورده باشد بلکه امتیازی است که خداوند به فضل و بخشش به او عنایت فرموده است» (عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۹۷).

امام دانشمندترین فرد زمان خویش است و از آنجا که علم او الهی است با جهل آمیخته نمی‌شود (همان، ص ۱۹۲).

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام طی دوران اقامت خود در مرو، برای ترقی اندیشه و اعتقادات مردم خراسان بسیار تلاش نمود و با مناظره‌های علمی با اهل کتاب و نحله‌های فکری گوناگون، موجبات اعتلای معرفت و بینش دینی این منطقه را فراهم آورد. آن حضرت با تشکیل محافل علمی، کلامی و حدیثی به دفاع از اصول اسلام و فرهنگ اهل بیت علیهم السلام پرداخت و به شبهات و ایرادات فرقه‌های مختلف پاسخ داد.

شمار مناظرات امام رضا علیه السلام با اهل کتاب و نمایندگان مسیحیان، یهودیان، مانویان، زرتشتیان، صابئین و فرق اسلامی بسیار است.

این مناظرات از یک سو موجبات عظمت علمی امام رضا علیه السلام و حقانیت و شایستگی امام و از سوی دیگر زمینه پی‌بردن علمای ادیان نسبت به جایگاه رفیع شریعت و احکام اسلام و کامل بودن آن را فراهم نمود. چنانکه امام رضا علیه السلام قبل از برگزاری مناظرات با علمای ادیان، به «نوفلی» چنین فرمود:

ای نوفلی! می‌خواهی بدانی چه زمانی مأمون پشیمان می‌شود؟ گفتم: بله. فرمود: زمانی که ببیند با اهل تورات با توراتشان و با اهل انجیل با انجیلشان و با اهل زبور با زبورشان و با صابئین به عبری و با زرتشتیان به فارسی و با رومیان به رومی و با هر فرقه‌ای از علما به زبان خودشان بحث می‌کنم و آنگاه که همه را مجاب کردم و در بحث بر همگی پیروز شدم و همه آنان سخنان مرا پذیرفتند، مأمون پشیمان خواهد شد (عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۴۰).

آگاهی از علوم مختلف برای امامان امری ضروری است که در اینجا تنها به یک مورد از این ویژگی الهی اشاره شد.

۳-۴ - برانزنده‌ترین به لحاظ شکیبایی، تقوا، شجاعت و سخاوت

خود نگهداری و تقوای امام، در بالاترین مرتبه قرار دارد، به طوری که هیچ گناهی مرتکب نمی‌شود و به درجه عصمت رسیده است. از طرفی، پیشوای مسلمانان با مشکلات شخصی و اجتماعی زیادی روبه‌رو می‌شود؛ از این رو لازم است شکیباترین مردمان باشد. از طرف دیگر، بیشترین خدمات و عبادات را انجام می‌دهد که استقامت زیادی می‌طلبد.

رهبر مسلمانان گاهی ناچار می‌شود با دشمنان خارجی و داخلی مبارزه کند که این مطلب، شجاعت و شهامت می‌طلبد. همچنین رهبر باید رزمندگان و مسلمانان را برابر دشمن، به مبارزه تشویق کند، از این رو، باید خود شجاع‌ترین مردم باشد، زندگی معصومان نیز همین شجاعت را به نمایش می‌گذارد. رهبر جامعه اسلامی، صاحب اختیار خزانه دولت اسلامی است و مردم مسلمان، همچون خانواده او هستند که باید به آنها رسیدگی کند. برخی مردم تنگدست و فقیر هستند که به بخشش بیشتری نیاز دارند؛ از این رو رهبری امت، مستلزم روحیه‌ای بخشنده است. اگر رهبری در مسائل اقتصادی، سخت‌گیر و بخیل باشد، مردم به زحمت می‌افتند.

سیره اهل بیت علیهم‌السلام نیز بیانگر بخشش و گشاده‌دستی آنان است. به عنوان نمونه:

امام رضا علیه‌السلام هرگاه تنها می‌شد (فارغ از کارهای رسمی و تشریفات)، تمام اطرافیان خویش را از کوچک و بزرگ پیرامون خود جمع می‌کرد، با آنان حرف می‌زد؛ با آنان انس می‌گرفت؛ آنان هم با وی مأنوس می‌شدند؛ هرگاه بر سفره می‌نشست، همه کوچک و بزرگ‌ها حتی کارپرداز و حجام را صدا می‌کرد، را و همه را بر سر سفره خویش می‌نشاند. نشست و برخاست با مستضعفان و غلامان، عملاً درس برابری انسان‌ها است و این که خود را از مردم جدا نمی‌کرد، تافته جدا بافته نمی‌دانست و زندگی و اخلاق مردمی داشت، الهام از سیره رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود که چنین می‌کرد (همان، ج ۲، ص ۳۹۹).

در چشم امام رضا علیه‌السلام همه افراد از نظر انسانی مقام و ارزش داشتند و به آنان حرمت می‌گذاشت و برابری انسان‌ها را در حقوق ملاحظه می‌کرد؛ از تحقیر انسان‌ها، پست شمردن آنان و توهین و استهزاء، سخت جلوگیری می‌کرد و شکل و شمایل و رنگ و ثروت را ملاک



نمی‌دانست، بلکه انسان در نظر او محترم و عزیز بود. غلامان و سپاهان هم مورد عنایت و توجه او بودند و با آنان هم به عنوان یک انسان رفتار می‌کرد.

۳- ۵ - عابدترین انسان‌ها به درگاه خداوند

رهبر جامعه اسلامی، نیازمند ارتباط با خالق هستی و امدادجویی و هدایت‌خواهی است؛ از این رو، رهبر جامعه باید بیشترین ارتباط با خدا داشته باشد و عابدترین مردمان باشد. از دیگر ویژگی‌های امامان که امام رضا علیه السلام در روایاتشان فرمودند (اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۷) می‌توان مختصر بدان اشاره نمود، از جمله:

- خلیفه و امین الهی در جامعه بشی؛
- حجت و دلیل خداوند بر مردم؛
- دعوت‌کننده مردم به سوی خدا؛
- پاسدار حریم ارزش‌های الهی؛
- پناهگاه مردم در مشکلات و دشواری‌ها؛
- مایه عزت مسلمانان و باعث خشم منافقان و رسوایی کافران.

۴- اوصاف امامان

عظمت مقام امامت به اندازه‌ای است که کسی که حائز آن می‌شود از بالاترین صفات کمالی برخوردار باشد؛ زیرا امامت جایگاه راهبری و هدایت است؛ به همین دلیل درباره کسی که به این مقام راه می‌یابد، صفات ممتازی بیان شده است و لذا هرکس در پی کسب شناخت امام باشد، ناگزیر باید با برخی از این صفات آشنا شود. در اینجا به برخی از این صفات اشاره می‌شود.

۴- ۱ - منصوب از جانب خداوند

همان‌طور که در قسمت قبل بیان کردیم، آیات و روایات فراوانی به انتخاب امامان از جانب خداوند اشاره می‌کند. از جمله آن، می‌توان به آیات اولی الامر (نساء، ۵۹)، ولایت (مائده، ۳) و بسیاری از آیات دیگر اشاره کرد. خداوند در تمامی این آیات، خلیفه خویش را تعیین نموده و اطاعت و فرمان‌برداری از آنان را واجب برمی‌شمرد. به عنوان نمونه، خداوند در سوره قدر تصریح می‌کند که در آن شب فرشتگان و روح به زمین فرود می‌آیند و این فرود آمدن هم به جهت آوردن همه‌ی امور مربوط به تقدیرات آن شب تا یک سال است.

فرشتگان و روح در آن شب به اذن پروردگارش از برای هر امری فرود می‌آیند (قدر، ۴).

در روایات اهل بیت علیهم‌السلام صریحاً آمده که این شب اختصاص به زمان پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ندارد و پیش از او و بعد از او هم شب قدر بوده و خواهد بود. تناسب شب قدر با نزول فرشتگان و روح، اقتضا می‌کند که نزول آنها به زمین برای ابلاغ امور تقدیر شده در این شب برای زمینیان باشد. معلوم است در زمان پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرشتگان تقدیرات را بر خود ایشان می‌آوردند و بعد از او کسی که توسط فرشتگان تقدیرات برایش فروآورده می‌شود، خلیفه او و امام مسلمانان است. بدیهی است که بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کسی جز امامان علیهم‌السلام مدعی چنین امری نشده‌اند (امامت، ص ۱۸۲).

امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه شریفه می‌فرماید: «از نزد پروردگارش بر محمد و آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با هر امر سلام نازل می‌شوند» (بحار الانوار، ج ۳، ص ۷۰). در روایاتی که عامه و خاصه از پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرده‌اند، تعدادی از آنها به تعیین خلیفه و امام بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دلالت دارد که در اینجا مجالی برای تفصیل آن نیست.

۴ - ۲ - معصوم و مصونیت از گناهان کبیره و صغیره و خطا و نسیان و اشتباه چه عمداً و چه سهواً

خداوند قوه و استعداد عصمت در انبیا و ائمه علیهم‌السلام را به‌گونه‌ای قرار داده که هیچ‌گاه مغلوب قوای احساسی خود نمی‌شوند، بلکه تمام قوا و استعداد خود را در مسیر خداوند قرار می‌دهند (امام‌شناسی، ص ۳۸).

امامان، از گناهان پاک و از عیب‌ها مبرا و منبع پاکی و طهارت هستند. امام، معصوم و مورد تأیید و موفق به انجام وظایف الهی، استوار در انجام وظایف به تأیید الهی است که از خطا و لغزش‌ها مصون است. خدای متعال این ویژگی را به امام بخشید تا حجت خدا بر بندگانش و گواه بر آفریدگانش باشد.

امامان، جانشینان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند و وظایف آن حضرت را در تبیین دین و ابلاغ و اجرای آن به عهده دارند و حجت الهی بر مردم به شمار می‌آیند؛ یعنی سخن و عمل آنها الگوی مسلمانان است و باید طبق دستورات آنها عمل شود. کسی که در این مقام خطیر قرار دارد، اگر گرفتار خطا و گناه شود، اعتماد مردم از او سلب می‌شود و نمی‌تواند وظایف فوق را انجام دهد؛



از این رو، عقل حکم می‌کند که امام معصوم باشد؛ لذا کردارش، گفتارش، نیاتش، حرکاتش، اعمالش و حتی تبسمش عصمت دارد، به همین دلیل برای دیگران حجیت دارد و اسوه است (انسان کامل، ص ۳۶).

۴ - ۳ - داشتن خلافت الهیه

خلافت امامان معصوم الهی بوده، جانشینان برحق پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشند و پیامبر در موارد متعدد، بر این مطلب تأکید کرده است؛ از جمله در جریان غدیر خم و نصب امام علی عَلَيْهِ السَّلَام به امامت (عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۴۳۸). سپس این خلافت و جانشینی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عنوان امامتی الهی از امام علی عَلَيْهِ السَّلَام به امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام و از ایشان به امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و فرزندان معصوم ایشان رسید و اکنون این قبای فاخر به قامت حجة بن الحسن عَلَيْهِ السَّلَام آراسته شده است. در حقیقت، امام با روح القدس تأیید می‌شود. از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده است:

خداوند عزوجل ما را با روح الهی تأیید کرده است؛ روح پاک و مطهری که فرشته نیست و با گذشتگان همراهی نکرده است، مگر با رسول خدا. این روح الهی، با امامان از ما اهل بیت است و آنان را تأیید می‌کند و موفق می‌سازد و آن، ستونی از نور است که بین ما و خدای متعال قرار دارد (بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۳۴).

بنابراین روح، همان علم الهی است که به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ داده شده و از سنخ علوم معمول نیست، بلکه بر اثر مجاهدت‌های نفسانی و استقامت در راه عبودیت اعطا شده است. این علم تمام صفات رذیله را سوزانده و محو و نابود کرده است. از این علم در روایات به روح القدس تعبیر شده است. با وجود این علم، روح آنها به کلی از غیر خدا منحرف شده و به خدا می‌پیوندند و ثمره این علم، عصمت است (امام‌شناسی، ص ۳۹).

۴ - ۴ - عالم به جمیع احکام الهی

یکی از منابع علم امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام اطلاعاتی است که از طریق پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام رسیده، سپس به فرزندان معصومش منتقل شده است (مناقب علی بن ابیطالب عَلَيْهِ السَّلَام، ص ۶۱؛ نیل الأوطار، ج ۶، ص ۱۳۹؛ بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۳۰۷) و آن اخبار در اصل از جبرئیل از خدای دانای اسرار رسیده است (مسند الامام الرضا عَلَيْهِ السَّلَام، ج ۱، ص ۱۰۳). به همین دلیل است که امامان معصوم از مسائل و حوادث و نام‌های شیعیان آگاهی کامل دارند حتی امامان از دل و ذهن مردم باخبرند ولی این به معنای نفی اختیار انسان‌ها در انتخاب راه

نیست؛ بلکه تغییر و بداء در این مسائل و علوم ممکن است؛ چون علم به این نام‌ها همراه علم به اختیار انسان است.

شخصی از امام رضا علیه السلام پرسید: چگونه شما از دل‌های مردم خبر می‌دهید؟ حضرت در پاسخ فرمودند: «آیا سخن پیامبر صلی الله علیه و آله به تو نرسیده است که فرمود: از زیرکی و فراست مؤمن بپرهیزید و خود را حفظ کنید که مؤمن با نور الهی به امور نظر می‌کند؟» پرسش‌کننده گفت: «آری». حضرت فرمود: «هیچ مؤمنی نیست، مگر آنکه زیرکی و فراستی دارد و به اندازه ایمانش و مقدار بینش و دانشی که دارد، با نور الهی به امور می‌نگرد و خدا همه فراست‌هایی را که در مؤمنان پراکنده ساخته، در امامان اهل بیت علیهم السلام جمع کرده است.» «در حقیقت، خدا پیامبران و امامان را توفیق می‌دهد و از منبع علم و حکمتش به آنها چیزهایی عطا می‌کند که به دیگران نمی‌دهد؛ بنابراین دانش آنان بالاتر از دانش اهل زمانشان است. درحقیقت، هنگامی که خدای متعال بنده‌ای را برای رسیدگی به امور بندگان انتخاب می‌کند دانشی به او الهام می‌کند که بعد از آن، در جواب باز نمی‌ماند.»

۴-۵- زعامت سیاسی و اجتماعی در تمام مسائل امت و همگان

یکی از تأثیرات مهم رهبری در جامعه اسلامی، آن است که امور دنیای مسلمانان را نظام می‌بخشد؛ یعنی نظام مدیریت سیاسی و اقتصادی و نظامی مردم را سامان می‌دهد. این نظام‌مندی نهادهای جامعه، موجب قدرتمندی و عزت مؤمنان در درون جامعه و در سطح بین‌المللی می‌شود. همین سازمان‌دهی امور مدیریتی زمینه‌ساز اجرای حدود و احکام الهی در سطح جامعه می‌شود؛ یعنی رهبری با استفاده از بازوهای اجرایی و مدیریتی با متجاوزان برخورد می‌کند و گناهکاران را تنبیه می‌کند و به این طریق جامعه صالح و سعادتمند می‌شود. بنابراین، امام مسلمانان حق دارد در چارچوب قوانین کلی الهی که در قرآن بیان شده است، برخی مقررات اجرایی را تشریح کند؛ یعنی برخی امور را حلال یا حرام اعلام نماید؛ همان‌طور که از باب احکام حکومتی می‌تواند قوانین خاصی وضع نماید، تا احکام کلی الهی در جامعه اجرا شود.

یکی دیگر از نقش‌های اجتماعی رهبری، مبارزه با دشمنان داخلی و دشمنان خارجی است؛ چرا که همواره جامعه اسلامی از درون و برون تهدید می‌شود. دشمنان داخلی همان منافقانی هستند که به ظاهر مسلمان‌اند ولی در باطن، همدست کفارند و دشمنان خارجی، همان کافران

هستند. رهبر اسلامی همچون سدی برابر هر دو گروه ایستاده است و از این رو مورد خشم منافقان قرار می‌گیرد و زمینه‌ساز نابودی کافران می‌شود.

همچنین از مهم‌ترین نقش‌های امامت در جامعه اسلامی و سطح بین‌المللی، رهبری سیاسی است. امام، رهبر سیاسی و تعیین‌کننده سیاست‌های کلان نظام اسلامی است. البته این سیاست‌ها در چارچوب دستورات الهی و بر اساس خیرخواهی برای مردم صورت می‌پذیرد. از آنجا که اطاعت امام و رهبر اسلامی واجب است، این سیاست‌ها در ارکان جامعه جریان می‌یابد و اجرا می‌شود.

۴-۶ - هدایتگر انسان‌ها از سوی خداوند و آگاه به تمام مصالح و مفاسد

حدیث سلسله الذهب (میزان الحکمه، ج ۱، ص ۴۲۵) به روایت امام رضا علیه السلام در سرزمینی اشاره می‌کند که در تاریخی نه‌چندان دور گرفتار شرک و آتش‌پرستی بوده‌اند و یاد اهل بیت علیهم السلام را دورادور شنیده‌اند و چه بسا در لابه‌لای آنچه شنیده‌اند، گاه نشانه‌ای از غلو و افراط و زمانی آثاری از کوتاهی و تفریط در حق اهل بیت علیهم السلام وجود داشته است.

به همین دلیل امام علیه السلام می‌بایست در کوتاه‌ترین زمان بزرگ‌ترین رسالت را ایفا کند و چهره مکتب اهل بیت علیهم السلام را از هرگونه افراط و تفریط بزدايد تا بدین وسیله اندیشه‌گالیان را در هم ریزد و سپس به رهبری حق و مسئله ولایت اهل بیت علیهم السلام اشاره کند تا سست‌اندیشان و روی‌گردانان از ولایت را هشدار دهد. این نیز یکی دیگر از هدایت‌گری‌های امام به سوی حق است.

از دیگر صفات امامان می‌توان به موارد زیر نیز اشاره نمود:

- برترین امت در صفات و خصوصیات؛

- عادل و کامل در تمام شئون؛

- ریاست بر عموم و همگان در امور دینی و دنیوی داشته؛

- اجراکننده حدود شریعت و مجری احکام و تعالیم الهی در جامعه؛

۵ - ضرورت وجود امام

ضرورت وجود امام، همان ضرورت وجود و بعثت پیامبران است؛ زیرا که آنان آمده‌اند تا بسیاری از حقایق اصول و فروع دین را به مردم شناسانده و آنان را به سوی خداوند هدایت کنند. هم‌زمان با ایشان و در عصر آنان نیز مدعیان دروغینی بوده‌اند که خود را پیشوا و راهنما معرفی کرده و مردم

را به پیروی از خویش فراخوانده‌اند و مایه گمراهی آنان شده‌اند؛ به همین دلیل آیین انبیا ممکن است دست‌خوش انواع تحریفات گردد. برای جلوگیری از تحریف لازم است پاسدارانی معصوم و الهی باشند تا از آن پاسداری کنند. درست است که خداوند درباره قرآن مجید فرمود: «ما قرآن را فرستادیم و خود حافظ و نگهبان آن هستیم» (حجر، ۹)؛ اما حفظ دین باید از طریق علل و اسباب آن باشد که این اسباب همانا امامان معصوم علیهم‌السلام هستند.

امام رضا علیه‌السلام در تأیید ضرورت وجود امام می‌فرماید:

زمین بدون امام نبوده و نخواهد بود. در غیر این صورت اهل خود را می‌بلعد، بدون حجت الهی ادامه حیات برای هستی مقدور نیست چون خداوند نظم هستی را چنین قرار داده است (مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ج ۲، ص ۲۹۳؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵۰)

۶- راه‌های اثبات امامت امامان

امامت در اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است و قرآن مجید آن را آخرین مرحله سیر تکامل انسان می‌داند که تنها پیامبران اولوالعزم بدان رسیده‌اند. آنان به‌منظور اثبات نبوت خویش با برخورداری از اخلاق و رفتار انسانی به ارائه مطالب قانع‌کننده و هماهنگ با فطرت بشر و همساز با معارف انبیای پیشین می‌پرداختند و در مواقعی، بنا به نیاز جامعه، به معجزاتی از سوی خداوند دست می‌زدند. امامان هم به عنوان جانشینان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآل‌ه‌وسلم‌و‌آل‌ه‌وسلم‌و‌آل‌ه‌وسلم دارای تمامی اختیارات و مسئولیت‌های رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآل‌ه‌وسلم‌و‌آل‌ه‌وسلم‌و‌آل‌ه‌وسلم و برخوردار از علم لدنی بوده و بر این اساس شایستگی مقام امامت به آنان اعطا شده است، ناگزیر آنان نیز باید مانند خود انبیاء برای اثبات امامت خویش از شواهدی برخوردار باشند تا مردم بتوانند به آنان اعتماد کرده و از ایشان پیروی کنند.

امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام در این باره فرموده‌اند:

چون امام کسی است که اطاعت کردن از او واجب است، ناگزیر باید بر امامت او دلیلی اقامه شود تا در پرتو آن دلیل بتوان امام را از غیر امام تشخیص داد.

شاید یکی از مهم‌ترین دلایلی که به اثبات امامت امامان می‌پردازد، حدیث سلسله‌الذهب باشد؛ آنجا که امام رضا علیه‌السلام از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآل‌ه‌وسلم‌و‌آل‌ه‌وسلم‌و‌آل‌ه‌وسلم نقل کرده که خداوند فرمود:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ عَذَابِي قَالَ فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا.

لا اله الا الله حصار من است، هرکس داخل آن حصار شود از عذاب من در امان خواهد بود، با شرایطش که من یکی از آن شرایط هستم (عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۴۴).

در این حدیث اقرار به توحید در صورتی ایمن بخش و نجات آفرین است که دیگر شرایط به آن ضمیمه گردد و یکی از شرایط آن است که بشر از حکومت معصوم کنار نرود و حکومت معصوم را کاملاً بپذیرد و در حقیقت، امام مسئله‌ی ولایت و حکومت معصوم را تکمیل کننده توحید می‌داند؛ زیرا که در غیر این صورت حکومت طاغوت‌ها سبب می‌شود که همان توحید نیز از بین برود (باد ایام، ص ۸۹).

همچنین امام رضا علیه السلام در یکی از مناظرات خود می‌فرماید:

هم الذین وصفهم الله في كتابه فقال: «أَمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»

اهل بیت همان کسانی هستند که خداوند ایشان را در قرآن توصیف کرده و درباره آنان فرموده است: «همانا خداوند اراده کرده است تا هرگونه گناه و آلودگی از شما اهل بیت به دور باشد و شما را به گونه‌ای خاص، پاک و منزّه از گناه بدارد».

سپس آن حضرت در پاسخ به این سؤال که این آیه درباره چه کسانی است و منظور از اهل بیت پیامبر چه کسانی هستند؟ فرمود:

هم الذین قال رسول الله صلی الله علیه و آله: اِنِّي مُخَلَّفٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابِ اللَّهِ وَعِترتی اهل بیتی، لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّى یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ.

اهل بیت در این آیه همان کسانی هستند که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره آنان فرمود: من پس از خود دو یادگار گران بها میان شما می‌گذارم، کتاب الهی و عترتم که اهل بیت من هستند و این دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در روز قیامت نزد حوض کوثر بر من وارد شوند (بحار الانوار، ج ۵، ص ۶۸).

یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم.

ای اهل ایمان، اطاعت کنید خدا و رسول خدا را و نیز آنان که صاحب فرمان هستند (نساء، ۵۹).

در فهم این آیه اگر از معارف دین و روایات استفاده نکنیم، چه بسا گرفتار بدفهمی شویم؛ زیرا منظور از «اولی الامر» کسانی نیستند که تحت عنوان فرمانروا و سلطان بر مردم فرمان می‌رانند،

زیرا بسیاری از فرمانروایان، مانند فرعون، بر اساس هوای نفس و قدرت‌طلبی و فزون‌خواهی فرمان می‌رانند و خداوند آنان را طاغوت نامیده است و از مسلمانان خواسته است تا با طاغوت‌ها سازگاری نداشته باشند. بنابراین، منظور از اولی الامر، صاحب فرمان، باید افراد خاصی باشند که امام رضا علیه السلام آنان را معرفی کرده و فرموده است:

الَّذِينَ أُوتُوا مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةَ وَحُسِدُوا عَلَيْهِمْ يَقُولُهُ «ام يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مَلَكًا عَظِيمًا...» وَالْمَلِكُ هَهُنَا الطَّاعَةُ لَهُمْ

در این آیه «اولی الامر» همان کسانی هستند که وارث کتاب و حکمت‌اند و مورد حسادت قرار گرفته‌اند، چنان‌که خداوند در قرآن فرموده است: «آیا مردمان به خاطر آنچه خداوند از فضل خود به ایشان عطا کرده است، به آنان حسد می‌ورزند! با اینکه ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت را عطا کرده‌ایم و نیز ملکی عظیم بخشیده‌ایم» (تحف العقول عن آل الرسول، ص ۴۳۷).

سپس امام توضیح می‌دهد که «ملک عظیم» در این آیه به معنای فرمانروایی بر سرزمین‌ها نیست، بلکه منظور فرمانروایی بر دل‌هاست که بر مردم واجب شده است از برگزیدگان الهی اطاعت کنند.

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى.

بگو! من در برابر رسالتی که انجام داده‌ام، از شما مردم اجر و پاداشی نمی‌طلبم، مگر دوستی خویشاوندان و نزدیکانم را (شوری، ۳۲).

امام رضا علیه السلام در توضیح این آیه و دلالت آن بر منزلت اهل بیت علیهم السلام فرموده است: در قرآن نظیر این آیه درباره برخی انبیای دیگر مانند نوح علیه السلام، هود علیه السلام، صالح علیه السلام، لوط علیه السلام و شعیب علیه السلام نیز آمده است با این تفاوت که فقط این جمله آمده است که «پاداش انبیاء با خداست» ولی مسئله «دوستی ذی‌القربی» در مورد آنان مطرح نشده است (تحف العقول عن آل الرسول، ص ۴۰۵).

خداوند درباره نوح علیه السلام می‌فرماید که او به مخاطبان خود گفت:

«من هیچ‌گونه پاداشی از شما نمی‌طلبم، زیرا پاداش من فقط با پروردگار جهانیان است» (شعراء، ۱۰۹).

قرآن درباره حضرت هود علیه السلام فرموده است:

«من از شما مردم به خاطر رسالتی که انجام داده‌ام، مزدی نمی‌طلبم، زیرا پاداش من بر هیچ کس نیست، جز آن کس که مرا آفریده و وجودم را سرشته است» (هود، ۵۱)
 اما قرآن تنها درباره رسول خاتم صلی الله علیه و آله فرموده است که اجر رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله، دوستی خویشان نزدیک اوست. سپس امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «خداوند دوستی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را به این سبب واجب کرده است که می‌دانسته است اهل بیت پیامبر اسلام، هرگز از دین الهی روی بر نمی‌تابند و هرگز به جانب گمراهی و کج روی کشیده نمی‌شوند». آن‌گاه امام رضا علیه السلام می‌فرماید: پس از نزول این آیه و قبل از اینکه آیه برای مردم خوانده شود، رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان پیروان خود به حمد و ثنای الهی پرداخت و فرمود: ای مردم! خداوند تکلیفی را بر شما واجب کرده است، آیا این وظیفه را انجام خواهید داد؟

به این پرسش پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ کس پاسخی نداد؛ زیرا گمان می‌کردند که این تکلیف به پرداخت وجه مادی مربوط است، روز دوم و سوم نیز همین مسئله تکرار شد و مخاطبان پیامبر سکوت کردند تا اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: این تکلیف مربوط به پرداخت طلا و نقره و خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها نیست، مردم پرسیدند: اگر درباره این امور نیست، پس درباره چیست؟ در این هنگام رسول خدا، آیه‌ای را که بر او نازل شده بود برای مردم بازخواند و فرمود اجر رسالت من، دوستی اهل بیت من است.

مردم با شنیدن این آیه گفتند ما این فرمان الهی را می‌پذیریم و این واجب را به جای خواهیم آورد. در ادامه این حدیث، امام رضا علیه السلام می‌فرماید: اما بیشتر مردم به این تکلیف الهی عمل نکرده و به این پیمان وفا ننموده‌اند (تحف العقول عن آل الرسول، ص ۴۳۱).

نتیجه

امامت که ادامه‌دهنده‌ی خط سیر و تکمله‌ی رسالت و نبوت است، برای همیشه بشریت در جهت هدایت و سعادت او، لازمه‌ی عقلی، نقلی و فطری است؛ گرچه شناخت کامل آنان برای مردم ممکن نیست و آگاهی یافتن در مورد امامان تنها در علم و قدرت الهی است، لکن هر کس به اندازه‌ی ظرفیت و معرفت خود لازم است در جهت شناسایی و شناساندن سیره هدایت‌کننده‌ی آنان تلاش کرده و با شناخت فضائل و ویژگی‌های ائمه معصومین علیهم السلام زمینه هدایت و سعادت و کمال خود و جامعه اسلامی، انسانی را فراهم کند.

لذا امام رضا علیه السلام به ویژگی‌های امامت در جامعه‌ی اسلامی تصریح می‌فرمایند که امام حجت الهی و راهنمای خداوندی بر مردم و دعوت‌کننده آنان به سوی خدا، پاسدار حریم ارزش‌های الهی، برقراری عدالت و اجرای حدود الهی است که این حقیقت در سایه اخلاق حسنه، پاکی و طهارت، عصمت، علم و حکمت و سیاست ائمه علیهم السلام در جامعه به منصفه ظهور می‌رسد. لذا جامعه بشری در هر عصر و زمانی نیاز به وجود انسان کاملی همچون ائمه معصومین علیهم السلام دارد که در همه امور دنیوی و اخروی دست آنها را به سوی کمال و سعادت، هدایت نماید.



کتاب نامه

- قرآن کریم.
- اصول کفی، کلینی رازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، ترجمه: جواد مصطفوی، چاپ اول، انتشارات علمیه اسلامیہ، بی تا.
- الحیة، حکیمی، محمدرضا، تحقیق: احمد آرام، بیجا، انتشارات فرهنگ اسلامی، بی تا.
- امامت از دیدگاه شیعه، موسوی اصفهانی، حسن، چاپ اول، انتشارات دارالعلم، ۱۳۸۲ ه. ش.
- امام شناسی، حسینی تهرانی، محمدحسین، چاپ دوم، انتشارات سوره ی مهر، بی تا.
- امامت، بیابانی اسکویی، محمد، چاپ اول، انتشارات نباء، ۱۳۹۰ ه. ش.
- آموزه های اخلاقی و رفتاری امامان شیعه، عبدوس، محمدتقی، محمد محمدی اشتیهادی، چاپ دوم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۴ ه. ش.
- انسان کامل، طباطبایی، علی، چاپ اول، انتشارات مطبوعات دینی، ۱۳۸۲ ه. ش.
- بحار الانوار، مجلسی، محمدباقر، تحقیق: محمدباقر بهبودی، چاپ سوم، انتشارات دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه. ق.
- بحار الانوار، مجلسی، محمدباقر، تحقیق: یحیی عابدی، عبدالرحیم ربانی شیرازی، چاپ دوم، انتشارات الوفاء، ۱۴۰۳ ه. ق.
- تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، حرانی، ابن شعبه، ترجمه: بهزاد جعفری، چاپ اول، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ ه. ش.
- تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، حرانی، ابن شعبه، ترجمه: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، انتشارات نشر اسلامی، بی تا.
- تفسیر روشن، مصطفوی، حسن، چاپ اول، انتشارات نشر کتاب، ۱۳۸۰ ه. ش.
- عیون اخبار الرضا علیه السلام، صدوق، تحقیق: حسین الاعلمی، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۴ ه. ق.
- عیون اخبار الرضا علیه السلام، صدوق، ترجمه: آقانجفی اصفهانی، چاپ دوم، انتشارات پیام علمدار، ۱۳۸۸ ه. ش.
- عیون اخبار الرضا علیه السلام، صدوق، ترجمه: مستفید، غفاری، چاپ اول، انتشارات صدوق، بی تا.

- فرهنگ ابجدی عربی به فارسی، مهیار، رضا، بی‌جا، بی‌تا.
- قاموس قرآن، قرشی، علی اکبر، چاپ ششم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا.
- لسان العرب، ابن منظور، محمد بن مکرم، چاپ سوم، بیروت: دارالصادر، ۱۴۱۴ هـ. ق.
- مجمع البحرين، طریحی، فخرالدین، تحقیق: احمد حسینی، چاپ سوم، انتشارات مرتضوی، بی‌تا.
- مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول ﷺ، مجلسی، چاپ دوم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ هـ. ق.
- مسند الامام الرضا ﷺ، عطاردی، شیخ عزیز، المؤتمر العالمی الامام الرضا ﷺ، بی‌تا.
- مفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی، حسین بن محمد، تحقیق: صفوان عدنان، چاپ اول، انتشارات دارالعلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ هـ. ق.
- مناقب علی بن ابیطالب ﷺ، ابن المغازی، انتشارات سبط النبی ﷺ، ۱۳۸۴ هـ. ق.
- میزان الحکمه، ری شهری، محمد، چاپ اول، انتشارات دارالحدیث، بی‌تا.
- نیل الاوطار، شوکانی، بیروت: دارالجیل، بی‌تا.
- یاد ایام، شورای سیاستگذاری ائمه‌ی جمعه، چاپ اول، انتشارات صادق، بی‌تا.

